

تأمین منابع برای سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی عملاً وجود ندارد. در نتیجه تأمین مالی از خارج (در قالب دریافت کمک خارجی) می‌تواند یکی از گزینه‌های این کشورها برای خروج از این چرخه شوم باشد. بر این اساس، هرچه یک کشور فقیرتر باشد، استحقاق بیشتری برای دریافت کمک خارجی دارد (Hayter, 1981). با این حال این ایده با واقعیات مشاهده شده درباره کمک خارجی همخوانی زیادی ندارد. اصولاً مهم‌ترین هدف کمک خارجی، کاهش فقر است، اما تأثیر کمک‌ها در کاهش فقر در کشورهای دریافت‌کننده به اثبات نرسیده است. ضمن اینکه کمک‌های خارجی لزوماً به فقیرترین کشورها ارائه نمی‌گردد. این امر بدین معناست که کمک خارجی عموماً با انگیزه‌های سیاسی ارائه می‌شود (لارسون و اسکیدمور، ۱۳۸۳: ۶۶-۲۶۵).

در الگوی دوم، منافع کشور ارائه‌کننده کمک به‌عنوان عامل اصلی در تخصیص کمک در نظر گرفته شده است (Hayter, 1981). این منافع در قالب راهبردهای اقتصادی، سیاسی و حتی فرهنگی کشور ارائه‌کننده کمک ظاهر می‌شود. به نوشته «وانگ»: «سیاست کمک کشور کمک‌دهنده، بر مبنای بهره‌گیری از مزایای راهبردی و تجاری‌ای است که در نتیجه ارائه کمک می‌تواند به دست آورد» (Wang, 2013). به همین منظور ایده کمک‌های پیوندی مطرح شده است؛ بدین معنا که کشور کمک‌دهنده همواره شروطی را که متضمن منافع آن است برای ارائه کمک‌های خود ارائه می‌کند. «هدف از اعطای کمک پیوندی، فراهم آوردن فرصت برای تولیدکنندگان کشور اعطاکننده کمک است تا سهم بیشتری از فروشی را به‌دست آورند که به واسطه کمک خارجی حاصل می‌شود» (لارسون و اسکیدمور، ۱۳۸۳: ۲۷۶).

البته شماری از شروط همراه کمک‌های خارجی برای تضمین اصلاحات بنیادی در مسیر توسعه کشور هدف و تضمین امکان بازگردان مبالغ وام‌ها توسط کمک‌دهندگان بین‌المللی مطرح شده است. با این حال درباره پیامد وضع این شروط دیدگاه خوشبینانه‌ای وجود ندارد (نک. استیگلیتز، ۱۳۸۷). طبیعی است که کشور اعطاکننده کمک، تنها اهداف اقتصادی و تجاری را مدنظر ندارد. «دولت‌های